

مصادیق فضل الهی از منظر قرآن کریم

فاطمه یوسفی^۱

چکیده

یکی از مفاهیمی که در آیات قرآن کریم کاربرد فراوان دارد، مفهوم فضل است. فضل الهی همان عنایت ویژه و لطف خاصی است که حق تعالی نسبت به برخی از بندگان خود دارد و آن را نسبت به بندگان خاص خود عنایت کرده است. فضل الهی هم از جهت مفهومی و هم از جهت مصداقی قابل بررسی و پژوهش است. آنچه در این نوشتار مورد نظر است این است که این مفهوم از جهت مصداق، بر اساس آیات قرآن کریم و تفاسیر شیعه مورد بررسی قرار گیرد. روش این نوشتار توصیفی تحلیلی است و استناد بر منابع کتابخانه‌ای به ویژه کتب تفسیری شیعه دارد. با توجه به کاربرد فراوان این واژه در ادبیات دینی و تعالیم اسلامی، شناخت مصادیق آن بر پایه آیات قرآن کریم دارای اهمیت است؛ افزون بر اینکه موجب افزایش معرفت به آیات قرآن کریم می‌شود. نتیجه حاصل از این تحقیق این است که توحید، نبوت و رسالت انبیای الهی، و همچنین علم و دانش که خدای متعال به انسان عطا کرده است از جمله مصادیق فضل الهی در قرآن کریم معرفی شده‌اند. همچنین مال دنیا از دیدگاه اسلام مذموم نیست و در قرآن به عنوان مصداق فضل و خیر بیان شده است. کرامت انسانی را نیز می‌توان یکی از مصادیق فضل الهی شمرد که شامل حال انسان شده است.

کلید واژه: بخشش، فضل الهی، قرآن کریم، مصداق.

۱. سطح دو؛ حوزه علمیه زینبیه آبیک.

مقدمه

خدای متعال دارای رحمت عامی است که شامل همه مردم اعم از نیکوکار و بدکار می شود و به لطف این رحمت، انسانها حیات، سلامت و امنیت دارند. در کنار رحمت عام الهی، رحمتی خاص وجود دارد که قرآن کریم از آن سخن گفته است و از آن تعبیر به فضل الهی شده است. فضل الهی در واقع همان رحمت خاص و عنایت اضافه ای است که حق تعالی نسبت به برخی از بندگان خود دارد و به سبب برخی از امور، این فضل را شامل حال آنها می کند. با توجه به اینکه این مفهوم در قرآن کریم در موارد زیادی به کار رفته است، لازم است انسان مؤمن نسبت به آن شناخت داشته باشد.

آنچه در این نوشتار مورد توجه است، تحقیق در مورد مصادیق فضل الهی با تکیه بر آیات قرآن کریم و با بهره گیری از منابع تفسیری شیعه است. سؤال اصلی در این تحقیق این است که فضل الهی در قرآن کریم دارای چه مصادیقی است؟

اهمیت این موضوع از دو جهت است: اولاً بحث در این موضوع در بعد معرفتی اهمیت دارد و انسان را با مفهوم فضل الهی در قرآن کریم آشنا می سازد. ثانیاً با شناخت مصادیق فضل الهی در قرآن کریم، زمینه تلاش بیشتر انسان برای رسیدن به فضل خاص الهی و بهره مندی از آن را فراهم می آورد.

طبق آنچه در منابع تفسیری شیعه آمده است، برخی از بندگان خاص الهی به خاطر تلاش در مسیر بندگی و داشتن اوصافی خاص، از فضل الهی بهره مند می شوند و غیر از رحمت عمومی، به طور خاص از سفره فضل الهی استفاده می کنند. این مطلب در این نوشتار همراه با آیات قرآن کریم توضیح داده خواهد شد.

در مورد موضوع مورد بحث تاکنون آثاری نوشته شده است که از جهتی ارتباط با نوشتار حاضر دارد و در عین حال، نقاط افتراقی بین آنها و این مقاله دیده می شود. در ادامه برخی از آنها اشاره می شود.

۱. کتاب: **مفهوم شناسی فضل در آیات و روایات**؛ مریم موسوی. در این کتاب نیز در مورد مفهوم فضل مباحث خوبی مطرح شده است اما این اثر نیز به طور خصوص بحث مصداقی را مد نظر نداشته است.

۲. مقاله: **عوامل و آثار فضل الهی در قرآن کریم**؛ مریم رضایی، سال ۱۳۹۹. در این مقاله نویسنده بر اساس آیات قرآن کریم عوامل و آثاری که فضل الهی دربر دارد را بیان کرده است. تفاوت این نوشتار با مقاله نامبرده در این است که به خصوص مصداق شناسی فضل الهی را در دستور کار قرار داده است.

۳. مقاله: **مفهوم شناسی فضل الهی و عوامل برخورداری از آن در قرآن کریم**؛ مریم موسوی، سال ۱۳۹۵. در این مقاله نیز محور اصلی مفهوم فضل الهی و برخورداری شدن از آن است نه مصداق شناسی آن.

۴. مقاله: **بررسی و تحلیل وجوه فضل در تفسیرهای عرفانی**؛ مرک محمدنیا، سال ۱۴۰۰. در این مقاله نیز به طور خصوصی در مورد مصداق فضل الهی در قرآن کریم بحث نشده است.

آثاری که تاکنون نوشته شده است بیشتر در مورد مفهوم فضل و عوامل برخورداری از آن بحث کرده اند و کمتر بحث مصداقی در این خصوص صورت گرفته است از این رو نوشتار حاضر می تواند خلأ موجود در این زمینه را مرتفع سازد.

الف) مفهوم شناسی

پیش از ورود به مباحث اصلی این نوشتار، ابتدا در مورد برخی از مفاهیم کلیدی این مقاله از جهت لغت و اصطلاح بحث خواهد شد.

۱) فضل

این واژه هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی استعمال می شود و ریشه در لغت عرب دارد. در لغت عرب، فضل به زیادی و باقی مانده یک چیز گفته می شود. مثلاً هنگامی که گفته می شود: «احتَفِظْ فَضْلَ طَعَامِكَ» به این معناست که باقیمانده غذای خودت را نگه دار.^۱

همچنین به احسان و بخشش به دیگری نیز فضل گفته می شود چون نوعی عطای زیادی به دیگری است. فضل به این معنا در قرآن کریم نیز استعمال شده است.^۲

به گفته راغب اصفهانی، فضل از حد اعتدال خارج شدن است. گاهی معنای ممدوح دارد مانند فضل علم و فضل عبادت؛ گاهی نیز معنای مذموم دارد مانند فضل غضب که به معنای افراط در خشم بر دیگری است.^۳

فضل در لغت عرب ضد نقصان و کمبودی است.^۴ در اصطلاح قرآنی، «فَضْل» به معنای هر چیزی است که بیش از مقدار لازم از مواهب و نعمت‌ها بوده باشد و این یک مفهوم مثبت و ارزنده دارد، ولی گاه معنای مذموم و نکوهیده‌ای دارد و به معنای خارج شدن از حد اعتدال و رفتن به سوی افراط است و غالباً به صورت فُضُول به کار می‌رود مانند «فُضُولُ الْكَلَامِ» یعنی حرف‌های زیادی.^۵

۱. شرتونی، *اقرب الموارد*، ج ۴ ص ۱۷۶؛ جمعی از پژوهشگران، *المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة*، ص ۱۰۹۹.

۲. قرشی، *قاموس قرآن*، ج ۵ ص ۱۸۲.

۳. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۶۳۹.

۴. معلوف لویس، *المنجد فی اللغة*، ص ۵۸۷.

۵. امامی، *لغات در تفسیر نمونه*، ص ۴۲۳.

(ب) مصداق شناسی فضل الهی

بعد از روشن شدن مقدمات و ارایه برخی توضیحات در این مورد، اکنون در مورد محور اصلی این نوشتار؛ یعنی مصداق شناسی فضل الهی بر اساس آیات قرآن کریم بحث می شود.

(۱) گرایش به توحید

بر اساس آنچه قرآن کریم^۱ بیان کرده است، خدای متعال گرایش به توحید را در نهاد همه انسان به ودیعت گذاشته و از بدو تولد این گرایش در وجود تمام انسان ها وجود دارد؛ گر چه ممکن است به خاطر یک رشته عوامل بیرونی، در مراحل مختلف زندگی از این گرایش غفلت ورزند.^۲

قرآن کریم طبق آنچه در سوره مبارکه یوسف آمده است، نوعی فضل الهی است که نسبت به انسانها داشته است؛ قرآن کریم از بیان حضرت یوسف (علیه السلام) نقل کرده است:

« وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا اَنْ نُشْرِكَ بِاللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ذٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ؛ من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم! برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم؛ این از فضل خدا بر ما و بر مردم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند».^۳

در این آیه حضرت یوسف (علیه السلام) به عنوان یک مبلغ توحید، خود را موحد و پیرو مکتب انبیای الهی می داند. در ادامه اشاره می کند که نعمت توحید موهبت و فضل اختصاصی خدای متعال به ایشان نیست، بلکه فضلی است که خدای به انسان داده است؛ فضلی که به وسیله آن انسان از دیگر موجودات متمایز می شود. بنابراین مطابق فرموده حضرت یوسف (علیه السلام) گرایش به توحید به عنوان یک گرایش عمومی، از جمله فضل های الهی به انسانهاست.^۴

۱. روم (۳۰): ۳۰.

۲. رضایی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۶ ص ۱۵۰.

۳. یوسف (۱۲): ۳۸.

۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹ ص ۴۰۹.

از این آیه کریمه استفاده می شود که مال از دیدگاه اسلام مذموم نیست، در این آیه از آن به عنوان فضل الهی یاد شده است و در برخی دیگر از آیات قرآن کریم^۱ نیز از آن به عنوان خیر یاد شده است. در برخی دیگر از آیات قرآن نیز همین مطلب آمده است؛ از جمله:

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ؛ کسانی که نسبت به آنچه خدا از فضل خویش به آنان داده، بخل می‌ورزند و انفاق نمی‌کنند، گمان نکنند این کار به سود آنهاست؛ بلکه برای آنها شر است»^۲.

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ؛ امتیازات و برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شماست. با این حال، مردان به سبب آنچه به دست می‌آورند نصیبی دارند، و زنان نیز نصیبی؛ و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد. و از فضل خدا، برای رفع تنگناها استمداد جویید»^۳.

چنانکه روشن است، در این دو آیه نیز مراد از فضل الهی همان مال دنیاست که مطابق آیه اول برخی نسبت به آن بخیل هستند، و در آیه دوم نیز دستور داده شده که مردم این فضل الهی را از خدا درخواست کنند.

۷) کرامت انسانی

یکی از راه‌های تربیت و هدایت، گرمی داشتن تربی است. هنگامی که تربی احساس ارزشمندی کند، بدون شک تأثیر پذیری وی از مربی و هدایت پذیری وی بیشتر خواهد بود. در همین راستا، به فرموده قرآن کریم خدای متعال به انسان کرامت داده است و او را ارزشمند قرار داده است؛ قرآن در این خصوص فرموده است:

۱. بقره (۳): ۱۸۰.

۲. آل عمران (۳): ۱۸۰.

۳. نساء (۵): ۳۲.

« وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم؛ و آنها را در صحرا و دریا، بر مرکبهای راهوار سوار کردیم؛ و از نعمتهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم».^۱

در این آیه خدای متعال از فضیلت انسانی و برتری او بر سایر مخلوقات سخن گفته است. بر اساس این آیه، یکی از فضایل انسان، کرامت ذاتی اوست، کرامتی که به حسب و نسب نیست، بلکه ارزش ذاتی است که خدای متعال به انسان داده است. این ارزشمندی به خاطر ویژگی‌های خلقی انسان، داشتن عقل و فطرت خداجو و سایر نعماتی است که خدای متعال به انسان ارزانی داشته و در نهاد انسان نهفته است.^۲

بر اساس این آیه می‌توان کرامت ذاتی انسان را یکی از مصادیق فضل الهی دانست که شامل حال آدمیان شده است.

۱. /سراء(۱۷): ۷۰.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲ ص ۱۹۸.

نتیجه گیری

این نوشتار با محوریت مصداق شناسی فصل الهی در قرآن کریم صورت گرفت و بعد از بیان برخی از مقدمات، در این خصوص تحقیق صورت گرفت. از این نوشتار چند نتیجه مهم به دست آمد؛ از جمله اینکه:

توحید فضل الهی است که به انسان عطا کرده است و گرایش به آن از نعمات خاص الهی به انسان است. همچنین رسالت انبیای الهی مصداق فضل الهی در قرآن کریم معرفی شده است.

همچنین به دست آمد که علم فضل الهی است که به انبیای الهی و علما عطا کرده است که این مطلب نیز از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت قابل استفاده است.

از دیگر نتایج این تحقیق این است که سلامتی نیز فضل الهی است که به انسان عطا کرده است و این فضل تا زمانی که انسان از آن برخوردار است، قدردان آن نیست.

تزکیه نفس از جمله اموری است که از دیدگاه قرآن کریم اهمیت زیادی دارد، در آیات قرآن کریم تزکیه نفس نیز از مصادیق فضل الهی بیان شده است که شامل حال برخی از انسان ها می شود و نعمتی عمومی نیست.

مال دنیا نیز از دیدگاه قرآن کریم مصداق خیر و فضل معرفی شده است و این مطلب گواه این است که مال به خودی خود از نظر اسلام مذموم نیست. همچنین کرامت انسانی از مهمترین فضایی که خدا به انسان داده است و در قرآن کریم از مصادیق فضل الهی شمرده شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه.

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: دانشکده ادبیات، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۳. رضایی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، تهران: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: درسهایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
۶. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه همدانی، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۷. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث، قم: دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۸. _____ میزان الحکمة، قم: دارالحديث، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۱۰. _____ پیام امام، قم: امام علی بن ابیطالب، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۱. _____ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، ۱۳۷۴.
۱۲. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، چاپ اول، بی تا.

۱۳. ابراهيم، مصطفى، المعجم الوسيط، استامبول: دارالدعوة، چاپ اول، ۱۹۸۹م.
۱۴. ابن بابويه، محمد بن علي، الخصال، قم: جامعه مدرسين، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۱۵. احمدنگري، عبدالنبي، جامع العلوم، بيروت: الأعلمي، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۱۶. بحراني، هاشم، البرهان في تفسير القرآن، قم: بعثت، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۷. جمعی از محققين، المنجد في اللغة العربية المعاصرة، بيروت: مشرق، چاپ اول، ۲۰۰۰م.
۱۸. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسير نورالثقلين، قم: اسماعيليان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۱۹. راغب اصفهانی، حسين، مفردات الفاظ القرآن، بيروت: دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۰. شرتونی، سعيد، اقرب الموارد، تهران: اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۱. طباطبائی، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت: الاعلمي، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۲۳. فيض کاشانی، محسن، تفسير صافي، تهران: صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۴. مشکيني، علي، المواعظ العددية، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۲۵. معلوف، لويس، المنجد في اللغة، قم: اسماعيليان، چاپ سوم، ۱۳۶۵.